

Analysis of the Components of the Political Behavior of Government Officials Based on the Qur'an and Nahj Al-Balagha

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Azam Barzegar¹
Hamed Fathaliani^{2*}
Ali Hossein Ehtashami³

How to cite this article

Azam Barzegar, Hamed Fathaliani, Ali Hossein Ehtashami, Analysis of the Components of the Political Behavior of Government Officials Based on the Qur'an and Nahj Al-Balagha, Islamic Life Style. 2023; 7 (2) :27-39

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Education, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Toisarkan Branch, Islamic Azad University, Toisarkan, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: hmdftln@gmail.com

Article History

Received: 2022/11/11

Accepted: 2023/03/18

ABSTRACT

Purpose: The current research with the title "Analysis of the components of the political behavior of government officials based on the Qur'an and Nahj al-Balagha" and with the aim of conducting a research in the analysis of the components of the political behavior of government officials with the index of the Quran and Nahj al-Balagha and with the historical approach and the library and documentary method became.

Materials and methods: Since the sources used in this research are verses of the Quran, sermons and letters, and the wisdom of Nahj al-Balagha and books of commentators, a descriptive-analytical method has been used. The theoretical framework of this research is based on five main elements that form the conceptual model of this research. First: Identification of pests and damage to the rulers. Second: the factors and methods of political training and ways to strengthen the positive characteristics of agents. Third: Hazrat's criteria in selecting government officials. Fourth: Examining the manifestations of the Prophet's political ethics after the formation of the government. Fifth: the characteristics and values and behavioral criteria of brokers.

Findings: This research has reached the following results: the political behavior of government officials affects people's judgment. The effects and consequences of knowing and acting on these components by government officials have effects and consequences. Among other things, the Holy Qur'an has not given up on providing principles and rules for better governance in order to deal with all aspects of human life, and it has presented ways by giving examples in the Qur'an. Also, the infallible imams (peace be upon them) who are speakers of the Qur'an, have addressed this issue. And contemporary man can use the educational components of Quran and Nahj al-Balagheh to manage his political life now and in the future. Amir al-Mu'minin Hazrat Ali (peace be upon him) as the best sociologist during the short but successful and fruitful period of his rule of justice, has always paid attention to their guidance in the best way by sending letters to the agents of his government, in order to raise awareness and raise their political literacy.

Conclusion: The more informed the society, the more efficient the officials will be, and the correct education of two groups of people and its government has two-way consequences and effects in the political dimension. Agents should try to preach less to people and enter the field in a practical way to solve problems. However, by putting a rail in the people's lifestyle and putting the morality and character of the martyrs at the forefront, they should implement their plans and duties in a desirable way. The government should create courses in universities that specifically train the responsible elements to take government seats. That one or more people come and take responsibility without even being familiar with the principles and rules in the field of politics is contrary to the goals of creating a competent and efficient government.

Keywords: Political Behavior, Agents, Quran, Nahj Al-Balagha, Government

تحلیل مؤلفه‌های رفتار سیاسی کارگزاران حکومتی بر مبنای قرآن و نهج البلاغه

اعظم برزگر^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

حامد فتحعلیانی^{۲*}

استادیار، گروه معارف، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران (نویسنده مسئول).

علی حسین احتشامی^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران.

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با عنوان «تحلیل مؤلفه‌های رفتار سیاسی کارگزاران حکومتی بر مبنای قرآن و نهج البلاغه» و با هدف سیری تحقیقی در تحلیل مؤلفه‌های رفتار سیاسی کارگزاران حکومتی با شاخص قراردادن قرآن و نهج البلاغه و با رهیافت تاریخی و روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شد.

مواد و روش‌ها: از آنجا که منابع مورد استفاده در این تحقیق آیات قرآن، خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه و کتب مفسرین است، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. چارچوب نظری این پژوهش بر پنج عنصر اصلی استوار است که مدل مفهومی این پژوهش را تشکیل می‌دهد. اول: شناسایی آفت‌ها و آسیب‌های فراروی حاکمان. دوم: عوامل و روش‌های تربیت سیاسی و راه‌های تقویت ویژگی‌های مثبت کارگزاران. سوم: معیارهای حضرت در انتخاب کارگزاران حکومتی. چهارم: بررسی جلوه‌هایی از اخلاق سیاسی پیامبر پس از تشکیل حکومت. پنجم: خصوصیات و معیارهای ارزشی و رفتاری کارگزاران.

یافته‌ها: این پژوهش به نتایج زیر دست یافته است: رفتار سیاسی کارگزاران حکومتی بر نوع قضاوت مردم تاثیرگذار است. آثار و پیامدهای آگاهی و عمل به این مؤلفه‌ها توسط کارگزاران حکومتی دارای آثار و پیامدهایی می‌باشد. از جمله قرآن کریم به جهت پرداختن به تمام ابعاد زندگی انسان، ارائه اصول و قواعد برای حاکمیت بهتر را فروگذار نکرده است و با بیان مثال‌هایی در قرآن ارائه طریق نموده است. نیز امامان معصوم (علیهم‌السلام) هم که قرآن ناطق هستند، به این موضوع پرداخته‌اند. و انسان معاصر تا اندازه زیادی می‌تواند از مؤلفه‌های تربیتی قرآن و نهج البلاغه برای اداره حیات سیاسی‌اش در حال و آینده بهره‌بردار. امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه‌السلام) به عنوان بهترین جامعه‌شناس در مدت کوتاه اما موفق و پر بار حکومت عدل خویش، همواره طی ارسال نامه‌هایی به کارگزاران حکومتش، به بهترین وجه به ارشاد ایشان، جهت ارتقاء آگاهی و بالا بردن سواد سیاسی‌شان توجه داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: هرچه جامعه آگاه‌تر باشد مسئولین کارآمدتر انتخاب می‌کنند و تربیت یافتن صحیح دو گروه مردم و حکومتی آن در بعد سیاسی پیامدها و تأثیرات دو سویه دارد. کارگزاران باید سعی کنند

کمتر مردم را موعظه نمایند و برای رفع مشکلات به صورت عملی وارد میدان شوند. لکن با ریل‌گذاری در سبک زندگی مردم و سرلوحه قراردادن اخلاق و منش شهدا، برنامه‌ها و وظایف خود را به طریق مطلوب اجرا نمایند. دولت باید در دانشگاه‌ها به ایجاد رشته‌هایی بپردازد که به طور خاص به تربیت عنصرهای مسئول جهت به‌دست‌گیری کرسی‌های حکومتی مبادرت ورزد. اینکه یک نفر یا چند نفر بیایند و مسئولیتی به‌عهده بگیرند بدون اینکه حتی آشنا با اصول و قواعد در زمینه سیاست باشند، با اهداف ایجاد دولت و حکومت صالح و کارآمد مغایرت دارد.

واژگان کلیدی: رفتار سیاسی، کارگزاران، قرآن، نهج البلاغه، حکومت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

*نویسنده مسئول: hmdftln@gmail.com

مقدمه

یکی از عوامل مهم و اساسی در ثبات و کارایی نظامهای سیاسی که از دیرباز تاکنون فلسفه سیاسی و تاریخ تطور فکر سیاسی در میان متفکران این حوزه مدنظر بوده است، مسأله صلاحیت و کارآمدی کارگزاران و مدیران یک نظام سیاسی است. افلاطون و ارسطو به عنوان پیشقراولان مباحث مربوط به حوزه سیاست به ترتیب در کتابهای جمهوری و سیاست به این مهم پرداخته‌اند. این دو فیلسوف سیاسی در آثار خود مفسلاً به عدالت حاکمان جامعه به عنوان عامل نگه دارنده حکومت توجه خاصی کرده‌اند.

بنابراین بحث در باره صلاحیت و کارآمدی کارگزاران برای دوام حکومت از سؤالات پایدار در فلسفه سیاسی اعصار گوناگون بوده است. اما امروزه با پیدایش دولت مدون که به دنبال آن تمام ابعاد زندگی اجتماعی و حتی فردی بشر تحت تأثیر واقع شده است. توجه به این مقوله مهم در سلامت و کارایی نظامهای سیاسی اهمیت مضاعف یافته است.

مطالعه سیستمهای اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف جهان به خوبی نشان می‌دهد که نقش مدیران و کارگزاران صالح در پیشبرد اهداف حکومتها تا چه حد منشأ اثر بوده است. نکته حائز اهمیت در این مبحث آن است که هر نظام حکومتی بدون توجه به نقش کارگزاران صالح و مدیر نخواهد توانست در نیل به اهداف، از خود کارآمدی نشان دهد و در این راستا تفاوتی میان حکومت دینی و غیردینی یا لائیک وجود ندارد. یکی از الگوهای بسیار مناسب که در جهت اثبات این مدعا می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. سیره مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دوران زمامداری است که هم از باب سنت و هم از جهت مدیریت معقول می‌تواند مورد ملاحظه و مذاقه قرار گیرد. حضرت در سیره سیاسی خود به خوبی نشان داده‌اند که یکی از عوامل فروپاشی نظامهای سیاسی، ناکارآمدی آن و زوال عدل است که عمدتاً در سایه مدیریت ناصالح و ناسالم حاصل می‌شود.

یکی از آسیب‌های فراروی حاکمان و کارگزاران، آسیب‌های اخلاقی حاکمیتی و مدیریتی است. این آفت‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

آسیب‌های ناشی از ذات قدرت
 آسیب‌های ناشی از ذات قدرت، به شکل‌های گوناگونی بروز می‌یابد که در ادامه به مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آنها اشاره می‌گردد.

سوء استفاده از موقعیت حاکمیتی
 سوء استفاده از موقعیت حاکمیتی عبارت است از استفاده ویژه مسؤولان و کارگزاران حکومتی از امکانات عمومی و بسترسازی برای سوء استفاده افراد مرتبط با آنان از اموال مسلمانان. سوء استفاده از موقعیت، در اسلام بسیار مذموم شمرده شده است؛ به گونه‌ای که پیامبر اکرم) می‌فرماید: «خدا لعنت کند کسی را که امکانات عمومی را به خود اختصاص دهد و تصرف شخصی در آنها را بر خویش حلال بداند» (۴). هنگامی که امیرالمؤمنین(ع) به حکومت رسید، متعهد شد علاوه بر جلوگیری از این آسیب، سرمایه‌هایی را که افراد در زمان خلفای پیشین جمع‌آوری کرده بودند، به بیت‌المال برگرداند. ابن عباس می‌گوید: امیرالمؤمنین(ع)، روز دوم خلافت (در سال ۳۵ هجری)، درباره بذل و بخشش‌های فراوانی که خلیفه سوم از بیت‌المال به بعضی از خویشاوندان خود داشته، طی خطبه‌ای فرمود: به خدا سوگند! بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیام، به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گر چه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا عدالت، گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است (نهج البلاغه، خطبه ۱۵). بنابراین، یکی از آسیب‌های فراروی حاکمان و کارگزاران، سوء استفاده از مقام و منصب حکومتی است

اشرافی‌گری

یکی دیگر از آسیب‌های حاکمیتی فراروی حاکمان و کارگزاران، آسیب‌های مالی و زیاده‌خواهی آنان است که می‌توان از آن به اشرافی‌گری تعبیر کرد. از نگاه اسلام، ثروت و مال، در حیات مادی و معنوی انسان‌ها، نقش اساسی دارد تا آنجا که در برخی روایات، از تنگدستی به «روسیاهی در دنیا و آخرت؛ قال رسول الله(ص): «الفقر سواد الوجه فی الدارین» (۵) مرگ سرخ؛ قال الصادق(ع): «الفقر الموت الأحمَر». مرگ بزرگ؛ قال علی(ع): «الفقر الموت الأکبر» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳). نقصان در دین»، «کاهش عقل» و «عامل دشمنی». قال علی(ع): لابنه محمد بن الحنفیه: «یا بنی ائی أخاف علیک الفقر فاستعد بالله منه فإن الفقر منقصة للدين مدهشة للعقل داعية للمقت» (همان، حکمت ۳۱۹) تعبیر شده است. از این رو، در دین مقدس اسلام، به مقوله اقتصاد و معیشت افراد جامعه، در ابعاد مختلف آن توجه فراوانی شده است. از سوی دیگر، مذمت‌های فراوانی از تنگدستی شده است. این وضعیت با لحاظ میل طبیعی انسان و از جمله حکام به داشتن ثروت نامحدود، زمینه چنگ اندازی به بیت‌المال، به عنوان ثروت آماده را فراهم می‌کند. وجود روحیه ثروت‌اندوزی در کنار قدرت، اهل بیت را بر آن داشت تا در این رابطه به نکات مهمی توجه بدهند. امام علی(ع) در نامه خود به عثمان بن حنیف انصاری (والی بصره) به این حقیقت

تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم

کارگزاران: کارگزاران ترجمه "عمال" (جمع عامل) است. در معنای لغت عامل گفته‌اند: "عامل کسی است که امور شخص را در مال، ملک و کارهای او بر عهده گیرد و متولی آن باشد، از همین جاست که به مسؤول دریافت زکات عامل گفته‌اند(۱). واژه کارگزار در اینجا به معنای مأموری است که از سوی حاکم مسؤولیتی را در امور اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و نظامی عهده‌دار می‌شود. بنابراین مقصود از کارگزاران در اینجا استانداران، فرمانداران و کسانی‌اند که به گردآوردن زکات و خراج می‌پردازند. همچنین دیگر افرادی که از سوی حاکم تعیین می‌شوند و نمایندگان آنها جزو کارگزاران به شمار می‌آیند.

مفهوم تربیت سیاسی

«تربیت» در لغت، به معنای پروراندن یا پرورش دادن و بارآوردن(۲)؛ یعنی به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه مترقی است. در اصطلاح، تعاریف متعددی از آن ارائه شده که در عین تعدد، همگی در این زمینه توافق دارند که تربیت فرایندی است که نتیجه اش تغییر رفتار فرد - اعم از فردی و اجتماعی - و کسب هنجارهای مورد قبول می‌باشد. «سیاست» نیز در لغت به معنای اصلاح امور خلق، اداره کارهای مملکت، حکم راندن بر رعیت و ریاست کردن آمده(۳)، اما در اصطلاح، تعریف‌های مختلفی از آن شده است که این موضوع به اختلاف فکری و نظری صاحب نظران سیاسی بازمی‌گردد. با این وجود، تقریباً همه اندیشمندان سیاسی بر این نکته اتفاق نظر دارند که منظور از «سیاست» مدیریت و تدبیر امور جامعه در مسیر زندگی معقول همراه با عزت و رفاه عمومی است. لذا می‌توان گفت: «تربیت سیاسی» فرایندی است فراگیر و تدریجی که در جهت تربیت شهروندان مسؤول و وظیفه شناس و نیز پرورش کارگزاران کاردان و شایسته برای اداره امور جامعه صورت می‌گیرد.

تفاوت تربیت سیاسی کارگزاران با اخلاق کارگزاران: در اخلاق کارگزاران نگاه نخستین و بالذات به فضیلت و رذیلت و خودسازی است و بحثها بر محور "خویشتن‌سازی و چگونگی کسب فضیلتها و کنار گذاشتن رذیلتها دور می‌زند. اما در تربیت در باره "دگرسازی" و اثرگذاری بر اخلاق و رفتار کارگزاران دور می‌زند. این دو عرصه هر چند در بخش عمده‌ای از اصول و اهداف کلی، به یکدیگر نزدیک می‌شوند ولی در بخش دیگری از اصول و روشها و نیز نوع نگاه و زاویه دید و حیثیت بحث از یکدیگر فاصله می‌گیرند.

غفلت از این امر مایه ابهامها و تاریکی‌های فراوانی بویژه در تفاوت‌های اخلاق و مباحث تربیت دینی شده است. جداسازی آنها می‌تواند پرتوی روشنتر بر عرصه تحقیق در مسایل اسلامی بیفکند.

در این مقاله، سعی شده است با مراجعه به متون دینی و شناسایی آفت‌ها و آسیب‌های فراروی حاکمان، آسیب‌ها را در دو بخش آسیب‌های اخلاقی حاکمیتی و آسیب‌های اخلاقی شخصیتی، مورد مطالعه قرار گیرد.

الف) آسیب‌های اخلاقی حاکمیتی

قدرت‌طلبی، استبدادگرایی و استضعاف مردم، از دیگر آسیب‌های حاکمیتی است. حاکمی که با حيله و مکر یا با زور و تهدید و قهر و غلبه سر کار آید، چون زمام امور را در دست گیرد، مستبدانه حکومت کرده و مردم را به استضعاف می‌کشاند و مردم هم چاره‌ای جز اطاعت ندارند. می‌توان گفت که از بدترین آفات حاکمیتی، همین رذیله اخلاقی است و باید دانست که این صفت، زمینه‌های زیادی جهت انحراف حاکمان در خود دارد. قرآن کریم درباره این روحیه فرعون می‌فرماید: «فرعون در زمین برتری‌جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود» (قصص/۴). خداوند متعال در این آیه به روحیه استبدادگرایی و برتری‌جویی فرعون اشاره نموده و این روحیه را موجب به استضعاف کشیده شدن مردم دانسته است. البته قرآن کریم به ریشه این روحیه که فاسد و تبهکاربودن فرعون بوده، اشاره نموده است. خداوند متعال، همچنین در آیه ۵۴ سوره زخرف در مورد سبک‌شمردن مردم توسط فرعون سخن به میان آورده است: «پس او قومش را سبک‌مغز شمرد [و آنان را با وسوسه و اغواگری فریفت و خویشان کرد] در نتیجه از او اطاعت کردند؛ زیرا آنان مردمی بدکار و نافرمان بودند». بنابراین، در استبدادگرایی حاکم و استضعاف و استخفاف مردم، می‌توان یک رابطه تعریف شده یافت که بیانگر آن است که هر دو دسته مقصرند. این آسیب موجب خواهد شد که حکومت، از عقلانیت و منطق جدا شده و روحیه قدرت‌طلبی و به استضعاف کشیدن مردم روزبه‌روز تقویت شود. باید توجه داشت که یکی از شیوه‌های اعمال حاکمیت، تلاش برای پایین‌نگهداشتن سطح فرهنگ جامعه است. به علاوه که شیوه استخفاف عقول با جایگزین کردن ارزشهای کاذب نیز امکان‌پذیر است (۷). قرآن کریم ضمن توجه دادن به این نکته، نقش مردم در پذیرش این روش غلط به دلیل تخلف از عقل و فطرت را یادآوری کرده و بیان می‌کند که عذر مردم پذیرفته نیست؛ زیرا می‌توانند با بالابردن سطح آگاهی خود، مانع از اعمال حاکمیت غلط حاکمان مستبد شوند.

آسیب‌های ناشی از نحوه اعمال قدرت این آسیب‌ها به شکل‌های گوناگونی بروز می‌یابد که در ادامه به مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آنها اشاره می‌گردد.

باندبازی و خویشاوندسالاری

پیامبر اکرم (ص) همواره در انتخاب کارگزاران و مدیران، بر شایسته‌سالاری - که از اصولی‌ترین شرایط برای انتخاب عاملان و کارگزاران است - تأکید فراوان می‌کردند؛ چنانکه در سیره آن حضرت آمده است که از میان تمام مسلمانان، جوان بیست‌ساله‌ای (عتاب بن اسید) را برای فرمانداری مکه برگزید و در فرمانی به او فرمود: «ای عتاب! آیا می‌دانی تو را فرماندار کدام گروه قرار دادم؟ بر اهل الله عزوجل (تو را بر اهل حرم خدا و ساکنان مکه والی نمودم) و اگر در میان مسلمانان کسی را برای این مقام شایسته‌تر از تو می‌یافتم این کار را به او می‌سپردم» (۸). آنچه در

توجه دادند (همان، نامه ۴۵). حضرت امام خمینی (ره) در نامه خود به دومین دوره مجلس شورای اسلامی، رمز ایستادگی نمایندگان در برابر قدرتهای بزرگ را ساده‌زیستی و دوری از اشرافی‌گری دانستند (۶). امام علی (ع) حتی به هنگام مرگ نیز نسبت به بیت‌المال نگران بودند. آن حضرت به اهالی مصر، درباره اهتمام و نگرانی نسبت به بیت‌المال می‌نویسد: «و همانا من برای ملاقات پروردگار مشتاق و به پادشاه او امیدوارم، لکن از این اندوهناکم که بی‌خردان و تبهکاران این امت، حکومت را به دست آورند، آنگاه مال خدا را دست به دست بگردانند». بنابراین، یکی از آسیب‌های حاکمیتی، اشرافی‌گری است.

کم‌توجهی به افسار آسیب‌پذیر

از دیگر آسیب‌های حاکمیتی، بی‌توجهی یا کم‌توجهی حاکم و کارگزار به طبقه محروم و قشر آسیب‌پذیر است. امیرالمؤمنین (ع) در موارد متعدد، مدیران و کارگزاران را به توجه بیشتر به قشر آسیب‌پذیر و تأمین خواسته‌های آنان و سر و سامان دادن به زندگی آنان توصیه کرده‌اند. آن حضرت در عهدنامه مالک‌اشتر به وی فرمود: «سپس خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند؛ [و عبارتند] از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان. همانا در این طبقه محروم، گروهی خویشتن‌داری کرده و گروهی به گدایی دست نیاز بر می‌دارند، پس برای خدا پاسدار حقّی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است. بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده؛ زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان، سهمی مساوی وجود دارد و تو مسؤول رعایت آن می‌باشی. مبدا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسؤولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی بر مگردان، به ویژه امور کسانی از آنان را بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند، فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی؛ زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند و حق آنان را به گونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خردسال و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسؤولیتی سنگین بر دوش زمامداران است. اگر چه حق، تماشش سنگین است، اما خدا آن را بر مردمی آسان می‌کند که آخرت را می‌طلبند، نفس را به شکیبایی وا می‌دارند و به وعده‌های پروردگار اطمینان دارند». بنابراین، کم‌توجهی به محرومان و نادیده گرفتن خواسته‌های آنان و نیز برخورد ناشایست با آنان از آسیب‌هایی است که ممکن است مدیران و کارگزاران را تهدید نماید.

ریاست‌طلبی، استبدادگرایی و استضعاف مردم

برگزیده و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و احسان خداوند، وسیع است و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است» (بقره/۲۴۷). از این آیه شریفه فهمیده می‌شود که «رهبر باید با علم و دانش خود، مصلحت جامعه‌ای را که در رأس آن است، تشخیص دهد و با قدرت خود آن را به موقع اجرا درآورد. با علم و تدبیر خود، نقشه صحیح برای پیکار با دشمن را بکشد و با نیروی جسمانی، آن را پیاده کند» (۷). امیرالمؤمنین (ع) محمد بن ابی‌بکر را از استانداری مصر بر کنار می‌کند و مالک اشتر را به سوی مصر روانه می‌سازد. دلیل این کار عدم توانایی محمد در اداره مصر بزرگ و مقابله با توطئه‌های معاویه بوده است. (نهج البلاغه، نامه ۳۴). یکی از آسیب‌های پیش روی حاکمان که از ضعف مدیریت، ناشی می‌شود، عدم تشخیص اولویت‌ها و پرداختن به امور غیر ضروری و حاشیه‌ای است. این کار، موجب می‌شود کارگزار و مدیر از انجام وظایف اصلی خویش باز ماند.

عدم دسترسی مردم به حاکم و کارگزار یکی دیگر از آسیب‌های حاکمیتی، وجود فاصله میان زمامداران حکومت و مردم است. از این رو، حضرت علی (ع) همواره، کارگزاران حکومتی را نسبت به این آسیب مهم هشدار می‌دادند و به آنان دستور می‌دادند که میان خویش و مردم، هیچ حایلی قرار ندهند. آن حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. پنهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، باز می‌دارد، پس کار بزرگ، اندک و کار اندک، بزرگ جلوه می‌کند. زیبا، زشت و زشت، زیبا می‌نماید و باطل به لباس حق در آید. همانا زمامدار، آنچه را که مردم از او پوشیده دارند، نمی‌داند و حق را نیز نشانه‌ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود و تو به هر حال یکی از آن دو نفر می‌باشی یا خود را برای جانبازی در راه حق آماده کرده‌ای که در این حال، نسبت به حق واجبی که باید بپردازی یا کار نیکویی که باید انجام دهی، ترسی نداری، پس چرا خود را پنهان می‌داری؟ یا مردی بخیل و تنگ‌نظر هستی که در این صورت نیز مردم چون تو را بنگرند، مأیوس شده‌اند. درخواست کردن باز مانند. با اینکه بسیاری از نیازمندی‌های مردم رنجی برای تو نخواهد داشت (تو را به مشکلی نمی‌اندازد)؛ (چون یا شکایت از ستم دارند و رفع آن را از تو می‌خواهند و یا خواستار عدالتند یا در خرید و فروش خواهان انصافند». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود آن حضرت، راه درمان مشکلات جامعه را در میان مردم بودن و با آنان همراهی کردن می‌داند. بنا بر آنچه که در تاریخ آمده، پیامبر اکرم (ص) در دوران حکومتشان و نیز حضرت علی (ع) در دوران کوتاه زمامداری خویش، همواره میان مردم بودند و هیچ حجابی بین آنان و مردم وجود نداشته است.

ب) آسیب‌های اخلاقی شخصیتی
این آسیب‌ها نیز شکل‌های گوناگونی دارد که تنها به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

این فرمان مورد تأکید پیامبر اکرم واقع شده است، شایستگی عتاب برای فرمانداری شهر مهمی چون مکه است. این فرمان، بیانگر نگرش پیامبر (ص) در دادن مناصب به افراد است. همچنین انتصاب اسامه بن زید (که نوزده سال داشت) به فرماندهی لشکر اسلام برای حفاظت حدود شام، نمونه‌ای دیگر از توجه پیامبر (ص) به شایسته‌سالاری و اجتناب از خویشاوندسالاری است. (۹). امام علی (ع) نیز پس از انتصاب مالک اشتر برای امارت مصر، در نامه‌ای که به مردم مصر نوشتند تصریح فرمودند: من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم که در روزهای وحشت، نمی‌خواهد و در لحظه‌های ترس از دشمن روی نمی‌گرداند، بر بدکاران از شعله‌های آتش تندتر است؛ او مالک، پسر حارث مذحجی است. آنجا که با حق است، سخن او را بشنوید و از او اطاعت کنید. او شمشیری از شمشیرهای خداست که نه تیزی آن کند می‌شود و نه ضربت آن بی‌اثر است... مردم مصر! من شما را بر خود برگزیدم که او را برای شما فرستادم؛ زیرا او را خیرخواه شما دیدم و سرسختی او را در برابر دشمنانتان پسندیدم (نهج البلاغه، نامه ۳۸). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مهم‌ترین ملاک گزینش، شایسته‌سالاری، بر مبنای توانمندی و استعداد است. از این رو، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های جدی که حکومت را تهدید می‌کند، قبیله‌گرایی و خویشاوندسالاری است که امروزه در شکل‌های دیگری مثل حزب‌گرایی و باندبازی خود را نشان می‌دهد. بنابراین، یکی از آسیب‌های حاکمیتی، عدم شایسته‌سالاری و مقدم‌دانستن قبیله‌گرایی، باندبازی، جناح‌گرایی، حزب‌گرایی و خویشاوندسالاری است که اسلام به شدت با آن مخالف است.

اختصاص دادن اموال و فرصت‌ها به نزدیکان پیامبر اعظم (ص) در تقسیم غنایم و سایر اموال، قانون عدل و انصاف را رعایت می‌کرد و به همه مردم به‌طور یکسان سهم می‌داد؛ امتیازات شخصی، قبیله‌ای، سنی، سبقت در قبول اسلام، سفید و سیاه، آزاد و برده و امثال اینها را در کسب سهم از اموال بیت‌المال، دخالت نمی‌داد. بدین وسیله، دیدگاه طبقاتی و مناسبات ستمگرانه برخاسته از آن را باطل اعلام کرد و انسان‌ها را کنار هم و در یک صف متحد قرار داد. امیرالمؤمنین (ع) نیز با تأسی به همین سیره حکومتی پیامبر اعظم (ص) هنگامی که به حکومت رسیدند فرمودند: «دفاتر حقوق و عطایا را [که به دستور خلیفه دوم، طبق ملاک‌های طبقاتی تعیین شده بود] از بین بردم و مانند رسول خدا (ص) که اموال و غنایم را به‌طور مساوی تقسیم می‌کرد، آن را به مساوات تقسیم کردم و آن را در دست توانگران قرار ندادم» (۱۰). بنابراین، یکی دیگر از آسیب‌های جدی و مهمی که ممکن است گریبان‌گیر حاکمان و کارگزاران شود؛ اختصاص دادن اموال و فرصت‌ها به نزدیکان و نادیده گرفتن عدالت است.

ضعف مدیریت

قرآن کریم درباره داستان طالوت می‌فرماید: «و پیامبرشان به آنها گفت: خداوند، طالوت را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است. گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم و او ثروت زیادی ندارد؟! گفت: خدا او را بر شما

عوامل در این مختصر نمی‌گنجد، ولی به عنوان نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. دین و ایمان: دین عامل بسیار مهم مهار قدرت و جلوگیری از فساد سیاسی-اجتماعی است. در بیانات و فرمان‌های حضرت علی علیه السلام، بر رعایت احکام و دستورات خداوند و پیروی از دین مقدس اسلام مکرر تأکید شده است. آن حضرت در خطبه ۱۸۹ نهج البلاغه، ضمن ارائه توصیف جامع از دین اسلام، همگان را به پیروی از آن دعوت می‌کنند: «پس آن (دین اسلام) را محترم و بزرگ داشته، از آن پیروی نمایید و حق آن را ادا کنید.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹)

۲. خانواده: امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به تأثیر مثبت و منفی خانواده بر رفتار سیاسی فرد اشاره دارند. ایشان در نامه ای به معاویه، بی‌لیاقتی او را در زمامداری به دلیل سوابق بد خانوادگی اش یادآور شده، می‌فرمایند: «ای معاویه، شما (بنی امیه) کی لیاقت حکم رانی بر رعیت و زمام داری مسلمانان را داشته‌اید؛ بدون سابقه خیر و نیکو و دارا بودن بزرگواری و ارجمندی در میان مردم؟» (نهج البلاغه، نامه ۱۰)

۳. ارزش‌های مورد قبول جامعه: امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر در این زمینه می‌فرماید: «هرگز سنت نیکی را که پیشتر از این امت به آن عمل نموده‌اند، مشکن؛ سنتی که موجب انس و لغت بین مردم گردیده و ملت بر اساس آن به زندگی شایسته‌ای دست یافته‌اند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) از این دستور امام علی علیه السلام برمی‌آید که سنت‌ها و ارزش‌های مورد پذیرش جامعه در صورتی که هماهنگ با ارزش‌های دینی باشد، باید حفظ گردد.

روش‌های تربیت سیاسی

در این جا، به برخی از روش‌های تربیت سیاسی در کلام امام علی علیه السلام از نهج البلاغه اشاره می‌شود:

۱. الگودهی: حضرت علی(ع) خطاب به عموم مردم فرمودند: «به راه و رسم پیامبرتان اقتدا کنید که بهترین راه و رسم هاست. رفتارتان را با روش پیامبر تطبیق دهید که هدایت‌کننده‌ترین روش هاست» (همان، خطبه ۱۱۰) بنابراین، یکی از کارآمدترین روش‌های تربیت، به ویژه تربیت سیاسی، روش «الگودهی» است.

۲. پند و اندرز یا موعظه حسنه: پند و اندرز یا موعظه حسنه، که از روش‌های مؤثر در تربیت است. امام علی علیه السلام به فرزندش، امام حسن مجتبی علیه السلام، وصیت می‌کند: «دل را با موعظه زنده کن» (همان، نامه ۳۱)؛ زیرا موعظه حسنه دل‌های غافل را بیدار نموده، به حرکت می‌آورد.

۳. نظارت و مراقبت: تربیت به کمک نظارت و مراقبت از رفتار و بازپرسی و حساب رسی شیوه رایج در تعلیم و تربیت و به ویژه در قلمرو سیاست و اداره امور اجتماعی است. این شیوه در تربیت افراد، اعم از کارگزاران حکومتی و غیر آن‌ها، بسیار مؤثر است و نقش اساسی در اصلاح رفتار فرد دارد. از آن جا که نوع آدمی نیازمند مراقبت و نظارت است و انسان باید احساس کند که ناظران و مراقبان از بیرون بر اعمال و رفتار و عملکرد او نظارت دارند و نسبت به کارهای گذشته باید مورد بازپرسی قرار گیرد، از این رو، روش مراقبت در تربیت فرد اهمیت بسزایی دارد. خدای متعال توجه

تکبر و خود بزرگ‌بینی

از دیگر آفت‌های اخلاقی حاکمان و کارگزاران، تکبر و خودبزرگ‌بینی است. قرآن کریم از این ویژگی مذموم فرعون، پرده برمی‌دارد و به ستم‌هایی که به خاطر همین خوی زشت مرتکب شد، اشاره می‌کند (قصص/۴). حضرت علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر، خطاب به این مدیر با تقوا و متعهد می‌فرماید: «به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود که این گونه خودبزرگ‌بینی، دل را فاسد و دین را پژمرده و موجب زوال نعمت‌هاست» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

شکمارگی

یکی از آسیب‌های پیش روی حاکمان و مدیران در نظام مدیریتی - سیاسی اسلام، شکمارگی است. از منظر امیرالمؤمنین(ع) از جمله صفات مردان الهی را تلاش برای خروج از سلطه شکم می‌داند. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «در گذشته برادری دینی داشتم... و از شکمارگی دور بود، پس آنچه را نمی‌یافت، آرزو نمی‌کرد و آنچه را می‌یافت، زیاده‌روی نداشت» (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹). آنچه از نحوه زندگی پیامبران گذشته، به ویژه پیامبر اسلام(ص) می‌توان دریافت، این است که هیچ‌کدام از آنان - که حاکمان واقعی و الهی بودند - شکمباره نبوده و از قید دنیا رهیده بودند.

روحیه سفاکی

قرآن کریم از این روحیه زشت فرعون پرده برمی‌دارد و می‌فرماید: «و (نیز به یاد آورید) آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم که همواره شما را به بدترین صورت، آزار می‌دادند، پسران شما را سر می‌بردند و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشتند و در اینها، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود» (بقره/۴۹). پرهیز از ریختن خون بناحق، حتی در حال جنگ و در مصاف با دشمنان نیز مورد توجه اسلام است. حضرت علی(ع) پس از پایان جنگ جمل، خطاب به لشکر خود فرمود: «آنانکه به جنگ پشت کرده‌اند و رو به گریز نهاده‌اند، نکشید و به مجروحان حمله نکنید و لباس از کسی برنگیرید و به زنی حمله نکنید» (۱۱). بنابراین، حاکم اسلامی باید با توجه به عواقب سوء سفاکی، دست خویش را به خون هیچ بی‌گناهی آلوده نسازد و در صورت اشتباه نیز ضمن پذیرش خطا، خسارت وارده را جبران نماید؛ چرا که نگاه حاکم به مردم، نگاه به عیال الهی است، مردم امانت الهی در دست حاکم می‌باشند و او وظیفه خدمت‌گزاری با محوریت امانت‌داری را دارد.

عوامل تربیت سیاسی

تربیت سیاسی یکی از شاخه‌های تربیت و تحت تأثیر عواملی است که بر تربیت مؤثر واقع می‌شود. منظور از «عوامل تربیت سیاسی» عناصری است که به نحوی در نگرش، اندیشه و رفتار سیاسی فرد تأثیر می‌گذارد و خط مشی سیاسی او را شکل می‌دهد. عوامل تربیت سیاسی در نهج البلاغه متعدد است و این از فرازهای گوناگون کلمات امام علی علیه السلام برمی‌آید. هر چند بررسی همه این

فرمانروایان، همواره بر رعایت انصاف و عدالت در بین مردم تأکید می کردند؛ همان گونه که فراهایی از عهدنامه مالک اشتر به این موضوع اختصاص یافته است: «مالکا، انصاف و عدالت را بین خدا و مردم از یک سو و خود و نزدیکان و هر که هوای او را در سر داری از سوی دیگر، مراعات کن. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۴. فقرزدایی: علی علیه السلام، هم خود یار و مددکار فقرا و محرومان بود و هم افرادی را با این ویژگی پرورش داد. دستورات آن حضرت به مجریان و مدیران ارشد حکومت در آن روز، حاکی از اهتمام ایشان به فقرستیزی و تأمین اجتماعی است؛ چنان که خطاب به مالک می فرماید: «ای مالک، درباره طبقه پایین از مردم، که چاره ای ندارند و در فقر و تنگ دستی زندگی می کنند، خدا را فراموش نکن. آن ها عبارتند از: بیوایان، نیازمندان، گرفتاران و زمین گیر شدگان. آنچه را که خداوند از حق خود درباره ایشان دستور داده رعایت کن و برای آنان قسمتی از بیت المال و سهمی از غنایم خالص اسلامی هر شهر در نظر بگیر» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۵. امانت داری: در اندیشه سیاسی علی علیه السلام امانت داری یکی از ویژگی های برجسته و با اهمیت کارگزاران حکومت است. از این نظر، هر کس در هر پست و مقامی که باشد امانتدار مردم می باشد و باید در حفظ امانت بکوشد؛ زیرا اموال، ناموس، حیثیت، شرف و بسیاری از مسائل حیاتی مردم نزد کارگزار دولت قرار داده شده و او مسؤول نگه داری آن هاست، حتی مقام و منصبی که به او واگذار شده امانت است و بدین روی، باید در انجام وظیفه اش تلاش کند. حضرت علی علیه السلام گذشته از این که خود نمونه کامل امانت داری در زمینه های گوناگون بودند، دیگران را نیز به رعایت امانت سفارش می کردند و می فرمودند: «امانت را ادا کنید، هر چند صاحبش قاتلان فرزندان انبیا باشد» (۱۲)

ویژگی های منفی کارگزاران

به برخی ویژگی های منفی، که ممکن است دامنگیر کارگزاران سیاسی شود و در نتیجه آن ها نتوانند به صورت شایسته انجام وظیفه کنند، اشاره می گردد:

۱. غرور و خودبینی: یکی از پیامدهای قدرت، غرور و خودخواهی است. حضرت علی علیه السلام همواره کارگزاران نظام اسلامی را به دوری از تکبر و خودبینی توصیه می کنند. آن حضرت به مالک می فرمایند: «بپرهیز از خودپسندی و تکیه به چیزی که تو را به خودخواهی وادارد و بپرهیز از این که دوست بداری تو را مردم بستایند؛ زیرا حالت غرور و خودبینی مناسب ترین فرصت برای شیطان است تا نیکی نیکوکاران را از بین ببرد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) آن حضرت همچنین درباره عجب و خودخواهی فرمودند: «هر که به آراء و نظرهای خود به چشم خودپسندی نگاه کند، دشمنان براو مسلط خواهند شد» (۱۳)

۲. انحصارطلبی: انحصارطلبی و خودکامگی از دیدگاه آن حضرت بزرگ ترین آفت دولت است. علی علیه السلام انحصارطلبی را علت اصلی سقوط خلافت عثمان و قتل او معرفی نموده، می فرمایند: «من قضیه قتل عثمان و مسائل مربوط به آن را در یک بیان جامع برای شما می گویم؛ او خودکامگی و خودسری کرد، تا آن جا که این

انسان را به مراقبان بیرونی جلب می کند و می فرماید: «ای پیامبر، به مردم بگو: هرگونه عمل کنید خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می بیند و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می شوید و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد.» (توبه/۱۰۵)

۴. روش عبادت و انجام فرایض: یکی از روش های تربیتی موجود در نهج البلاغه، که در تربیت دینی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی نقش بسزا دارد، روش عبادت و انجام واجبات الهی است. علی علیه السلام به همه کارگزارانش به انجام هرچه بهتر فرایض، به خصوص نماز، دستور می دادند و اهمیت نماز را برای آنان بیان می داشتند. به محمد ابن ابی بکر فرمودند: «نماز را در وقتی که برای آن تعیین شده است به جای آر و بدان هر یک از اعمالت پیرو نماز تو است» (نهج البلاغه، نامه ۲۷) یعنی اگر نماز را نیکو به جا آوری، کارهای دیگر تو نیز نیکو خواهد بود و اگر نماز را ضایع کنی، اعمال دیگر نیز ضایع خواهد بود.

۵. تحسین و تشویق: یکی از شیوه های رایج و کارساز در فرایند تربیت، شیوه تشویق از رفتار و عملکرد مثبت متربیان است. پیامبران الهی علیهم السلام نیز هر یک ضمن دعوت از مردم، مژده و بشارت پادشاه را نیز به آنان می دادند. از این رو، یکی از وظایف انبیاء علیهم السلام بشارت دادن بوده است؛ خداوند می فرماید: «ما انبیا را نفرستادیم، مگر این که بشارت دهنده و بیم رساننده باشند.» (انعام/۴۸) همچنین درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «ای پیامبر، تو را گواه و بشارت دهنده و بیم رساننده فرستادیم» (احزاب/۴۴)

ویژگی های مثبت کارگزاران

در این جا، به برخی از ویژگی های کارگزاران مورد نظر آن حضرت اشاره می شود:

۱. خدامحوری: اولین ویژگی که از فرمان های حکومتی حضرت علی علیه السلام در ارتباط با امور اداری و سیاسی به دست می آید و جنبه تربیتی نیز دارد، «خدامحوری» است. حضرت علی علیه السلام بدین دلیل، در دستورالعمل خود به مالک اشتر فرمان می دهند: «خداوند سبحان را با قلب و دست و زبان یاری نما؛ زیرا خدای بزرگ یاری و عزت کسی را که یاریش کند و عزیزش بدارد تضمین کرده است» (نهج البلاغه، خطبه ۵۳)

۲. حق مداری: از دیگر خصوصیات که باید در تربیت سیاسی زمامداران و مدیران بدان توجه شود، «حق مداری» است. مریمان سیاسی باید افراد را چنان برای اداره امور کشور تربیت نمایند که روحیه حق طلبی و حق مداری از شاخصه های وجودی آنان باشد. حضرت علی علیه السلام در این زمینه، به مالک اشتر برای انتخاب همکاران نزدیکش دستور می دهند: «افراد حق گو را به خود نزدیک کن، از میان خواص خود کسی را به خود نزدیک تر کن که در حق گویی - گرچه گفتار حق تلخ است - صراحت لهجه داشته باشد.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۳. عدالت خواهی: از شاخصه های بارز تربیت سیاسی در سیره و گفتار امام علی علیه السلام عدالت پروری و عدالت خواهی است. حضرت علی علیه السلام در دستورالعمل های سیاسی خود به

ببرهیزید؛ زیرا دنیا در حقیقت، دام شیطان است» (۱۳) شیطان به وسیله دنیا به راحتی مردم را فریب می‌دهد و از صراط مستقیم دور می‌سازد. متأسفانه امروزه بسیاری از زمامداران جوامع مسلمان گرفتار دنیاطلبی و هواپرستی هستند و بدین روی، هیچ گونه تصمیم و اراده‌ای نسبت به اداره جامعه و حفظ استقلال آن ندارند. با توجه به اندیشه امام علی علیه السلام، بی‌اعتنایی به دنیا از اهرم‌های مهم در جلوگیری یا درمان آفت‌های تربیت سیاسی است و باید زمامداران را با این ویژگی به زمام‌داری گماشت.

۳. توجه به نتایج اعمال: از دیگر عوامل مؤثر در حفظ حاکمان از لغزش‌ها توجه به پیامدهای دنیایی و اخروی اعمال است. هر انسانی اگر واقعا معتقد به تجسم اعمال و بازگشت نتایج آن در جهان آخرت باشد، به کارهای خلاف و گناه روی نمی‌آورد؛ زیرا هیچ عاقل و خردمندی با لذت‌های زودگذر دنیا زمینه عذاب سخت ابدی قیامت را فراهم نمی‌کند. بر اساس فرمان‌ها و توصیه‌های علی علیه السلام به زمامداران، توجه به نتایج اعمال، عامل مهمی در مهار و تنظیم رفتار فرمانروایان است. آن حضرت در این زمینه می‌فرماید: «ای بندگان خدا، خداوند در روز قیامت از اعمال کوچک، بزرگ، آشکار و پنهان شما سؤال می‌کند» (نهج البلاغه، نامه ۲۷) یعنی هر کاری در دنیا انجام دهید در آخرت مورد سؤال و تحقیق قرار می‌گیرد. به همین دلیل، به مردم هشدار می‌دهند: «ببرهیزید از روزی که همه اعمال شما در آن آشکار می‌گردد» (همان، خطبه ۱۵۷)

۴. مشورت با علما: مشاوره از موضوعات مورد تأکید اسلام است. قرآن کریم بدان دستور می‌دهد و در این زمینه به پیامبر می‌فرماید: «در کارها، با مردم مشورت کن» (آل عمران/۱۵۹)؛ زیرا شور و تبادل نظر موجب می‌شود انسان از تجارب و اندیشه‌های دیگران در انجام بهتر کارها استفاده کند. علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر که با افراد کاردان شور نماید، با خرد و اندیشه آنان شریک گردد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۲) و هر که به افکار و نظرهای دیگران مراجعه کند موارد خطا و اشتباه را می‌شناسد (همان، حکمت ۱۶۴) و در نتیجه، کار را درست انجام می‌دهد.

معیارهای حضرت در انتخاب کارگزاران حکومتی
۱- سابقه در اسلام: یکی از مزایای کارگزار حکومتی شایسته، پیشگامی او در اسلام و نهضت اسلامی است. این پیشگامی در اسلام را، قرآن کریم ستوده است: «و السابقون السابقون اولئک المقربون» [واقعاً ۱۱۰ و ۱۱۱] امام علی (ع) با توجه به منطق قرآن کریم به مالک اشتر می‌فرماید: «و توخ منهم أهل التجربة و الحیاة من أهل البيوتات الصالحة و القدم فی الإسلام المتقدم»؛ کارگزاران شایسته را در میان گروهی بجوی که اهل تجربت و حیا هستند و از خاندان‌های صالح، آنها که در اسلام سابقه‌ای دیرین دارند. (۱۶)

۲- ملاحظه سوابق خانوادگی: این مسئله نیز از دید امیر مؤمنان (ع) پنهان‌نمانده است و بارها مسئله صلاحیت خانوادگی کارگزاران را به مالک گوشزد کرده است و از وی خواسته که در انتخاب قضات و وزرای خود به خانواده‌های آنان نیز توجه کند. مولا علی (ع) در دو نامه به مالک اشتر در خصوص گزینش کارگزاران و فرماندهان

خصلت در او قوی شد و از حد تجاوز کرد و تا این که خشم مردم دامنگیر او گردید (نهج البلاغه، حکمت ۳۰)

۳. پیمان شکنی: امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه به مالک دستور می‌دهند: «از این که به مردم وعده دهی و به انجام کاری متعهد شوی و سپس تخلف کنی، ببرهیز؛ چون خلف وعده و پیمان شکنی موجب خشم خدا و خلق است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) در اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام پای بندی به عهد و پیمان بهترین وسیله پیوند و الفت میان مردم و زمامداران و موجب استواری و استحکام دولت هاست.

۴. هواپرستی: بی‌شک، پیروی از هواهای نفسانی خطری است که همه انسان‌ها را تهدید می‌کند، اما زمامداران به دلیل شرایط خاص خود، پیش از دیگران در معرض این خطر قرار دارند؛ زیرا همان گونه که گفته شد، قدرت و ریاست معمولاً زمینه غفلت و بی‌توجهی آنان را به خدا و جهان آخرت فراهم می‌سازد. بدین روست که علی علیه السلام می‌فرماید: «بدترین زمامدار کسی است که هوای نفس بر او غلبه کند و امارت داشته باشد» (۱۴) بنابراین، از منظر امام علی علیه السلام هواپرستی بزرگ‌ترین آفت تربیت سیاسی است و اگر زمامداران گرفتار آن شوند، به حق و عدالت عمل نخواهد شد.

راه‌های تقویت ویژگی‌های مثبت کارگزاران
در این جا به برخی از صفاتی که به نوعی در تقویت ویژگی‌های مثبت کارگزاران مؤثر است اشاره شود:

۱. تقوای الهی: تقوای خدایی نیرویی است که انسان را از همه آفات درونی و بیرونی ننگه می‌دارد و او را در برابر لغزش‌ها محکم و استوار می‌سازد. تقوا در همه شؤون زندگی، به خصوص مسائل سیاسی و اداری جامعه بسیار کارساز است؛ زیرا ملکه تقوا در روح انسان نیرویی پدید می‌آورد که به او مصونیت روحی و اخلاقی می‌بخشد و او را از خطا و اشتباه باز می‌دارد. علی علیه السلام می‌فرماید: «بندگان خدا، بدانید که تقوا خانه‌ای است چون دژی محکم و استوار» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷) آن حضرت همچنین درباره «تقوا» می‌فرماید: «تقوا کلید درستی و اندوخته روز قیامت است؛ از هر بندگی آزاد می‌کند و از هر بدبختی‌رهایی می‌بخشد» (همان، خطبه ۲۳) و نیز می‌فرماید: «هیچ عزتی عزت بخش تر از تقوا نیست» (همان، حکمت ۳۷۱)

۲. بی‌اعتنایی به دنیا: دنیاطلبی و دل‌بستن به آن یکی از آفت‌های مهم تربیت سیاسی است و به طور قطع، مانع تجلی آثار تربیتی می‌گردد؛ چون بر اساس تفکر امام علی علیه السلام، دل‌بستن به دنیا منشا همه خطاهاست. (۱۵) علی علیه السلام در گفتار و رفتار، بی‌اعتنایی به دنیا را نشان می‌دهند و همگان را بدان توصیه می‌کنند. آن حضرت در این باره فرمودند: «به خدا سوگند که این دنیای شما در نظر من از استخوان خوکی در دست شخصی جذامی که هیچ کس میلی به آن ندارد، پست تر و کم‌ارزش تر است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۶) همچنین فرمودند: «دنیای شما نزد من بی‌ارزش تر از برگ جویده‌ای است که در دهان ملخ باشد» (همان، حکمت ۲۲۴). حضرت مکرر همه مردم، به خصوص کارمندان نظام اسلامی، را به زهد و دل‌ن بستن به دنیا دستور می‌دادند و می‌فرمودند: «از دنیا

نظامی فرموده است: «ثم الصق بنوی الأ حساب و أهل البيوتات الصالحة و السوابق الحسنة؛ پس، از سپاهان خود کسی را بگمارد که دارای گوهری نیک و خاندان پارسا و صالح و سابقه نیک هستند.» (همان، نامه: ۵۳)

۳- دشمن حياء و عفت: ایشان در این زمینه می فرمایند: «و من قلّ حیاؤه قلّ ورعه و من قلّ ورعه مات قلبه و من مات قلبه دخل النار» هر کس حیایش، کم باشد، پارسایی و ورع او کم می شود و هر کس پارسایی اش، کم باشد، قلبش می میرد و هر کس قلبش بمیرد، وارد آتش دورخ می شود.» (همان، حکمت: ۳۴۹)

۴- پایبندی به اخلاق و مبانی دینی: حضرت علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر به این نکته اشاره می کند که همکار شایسته و برگزیده کسی است که در کارهایی که خدا آن را برای بندگان خود ناشایست می داند تو را یاری ندهد، برعکس، او تو را به اخلاق دینی، متوجه سازد. «ثم لیکن آثرهم عندک أقولهم بمرّ الحقّ لک و أقولهم مساعده فیما یكون منک مما کره الله لأولیائه؛ (همان، نامه: ۵۳) اما برگزیده ترین همکارانت، باید کسی باشد که در کارهایی که خدا برای اولیایش دوست ندارد و تو از روی هوسرانی به آن دست زده ای کمتر یاریت دهد.»

۵- توجه داشتن به ضوابط: امام علی (ع) درباره رعایت ضوابط، برای گزینش کارمندان می فرمایند: «ثم انظر فی أمور عمالک فاستعملهم اختباراً و لاتؤلّمهم محاباة و أثرة فإنّهما جماع من شعب الجور و الخیانة؛ (همان، نامه: ۵۳) ای مالک، در کارهای کارمندان دقت کن، آنها را با امتحان و آزمایش به کار بگمار و از روی بخشش، به دلخواه و استبداد نباشد. زیرا استبداد و تسلیم تمایلات شدن، قانونی از شعبه های جور و خیانت است.»

۶- داشتن تجربه: امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر در خصوص انتخاب افراد باتجربه و کاردان می فرمایند: «و توخّ منهم أهل التجربة؛ از اهل تجربه برای امر کارگزاری برگزین.» (همان، نامه: ۵۳). معیار حضرت در اعطای مسئولیت ها این بود که: «ولایت و کارگزاری حکومت اسلامی جز به افراد متدین و امین واگذار نمی شود.» (۵، ۱۲)

۷- تقوا و تعهد: امام در این باره به مالک اشتر به عنوان سنبل حکومت و والی دینی می فرمایند: «أمره بتقوی الله؛ افرادی باتقوا و متعهد به کار را انتخاب نما.» (۱۶)

۸- آشنایی با کار: امام در این باره می فرمایند: «افرادی متدین، با دانش و تدبیر را برای کار، انتخاب نما» (۱۷) انتخاب افراد ناشی، باعث اختلال در مدیریت و موجب تباهی می شود. «ناتوانی کارگزار، آسیب به مدیریت می رساند.» (۱۸)

درک شرایط زندگانی پیروان سرّ موفقیت پیشوا در رهبری پیروان خود، حکومت او بر قلب های ایشان است و یکی از مهم ترین عوامل در ایجاد این نحوه حکومت و تسخیر عواطف افراد، آن است که رهبری، شرایط زندگی و مشکلات گریبان گیر پیروان را درک کرده و خود را در شرایط افراد تحت حاکمیت خود قرار دهد، و در کاهش فشار های گوناگون زندگی و مبارزه بر پیروان خود تلاش نماید. اگر می تواند آسایش و رفاه مطلوب را برای ایشان فراهم کند و اگر نمی تواند، شیوه ای را بیابد که در کاهش مشکلات مؤثر باشد. در زندگانی

سیاسی رسول گرامی اسلام این مسأله چشم گیر است. سیره نویسان از افزایش روز به روز فشار و شکنجه مشرکان نسبت به پیروان انگشت شمار پیامبر اکرم سخن می گویند و از این واقعیت که: خود پیشوای بزرگ اسلام تا حدودی از این فشارها در امان بود و سبب آن، اولاً حفظ و نگهداری الهی و محافظتی بود که پروردگار بزرگ نسبت به ایشان می کرد، و ثانیاً وجود عموی ایشان ابوطالب بود که شخصیت او در میان قریش مانع از این بود که مشرکان بتوانند به رسول گرامی اسلام آسیبی برسانند، ولی سایر مسلمانان که چنین شرایطی نداشتند همچنان گرفتار شکنجه و آزار دشمنان بودند و روز به روز کار بر ایشان سخت تر می شد (۱۹). در این شرایط است که رسول گرامی اسلام اذن مهاجرت به حبشه می دهد و به مسلمانان تحت ستم می فرماید: خوب است شما به سرزمین حبشه که سرزمین درستی و صداقت است بروید... و با هجرت به آن مرز و بوم، به صورت موقت، خود را از چنگال این مردمان آسوده سازید! (۱۷). بدیهی است که حضور مسلمانان در شهر مکه موجب استواری بیشتر موضع پیامبر بوده و بر شکوه حرکت های آن حضرت می افزود. در آن دوران که تعداد ایمان آورندگان به دین اسلام بسیار اندک بود طبیعی است که هر چه افراد بیشتری به محضر رسول گرامی اسلام رفت و آمد می کردند، جلال و عظمت ایشان در دیدگان اهل مکه، و تاجران و زایرانی که به آن شهر رفت و آمد می کردند، افزون می شد، اما رسول گرامی اسلام دستور به هجرت به حبشه داد تا حداقل بخشی از مسلمانان از شکنجه و آزار مشرکان در امان باشند.

اخلاق زمامداری (جلوه هایی از اخلاق سیاسی پیامبر پس از تشکیل حکومت)

۱- همراهی با رعیت در امور خرد و کلان: عمل پیامبر اکرم، در دوران زمامداری موقتی که طی ده سال ارائه داد، نشان دهنده بطلان این نظریه است. ایشان، نه تنها در ابتدای تشکیل دولت اسلامی در مدینه، در همان اولین مرحله قرار گرفتن در جایگاه یک حاکم و زمامدار جامعه، بر خلاف چنین دستورالعملی اقدام نموده و «ابتدا خود آن حضرت دست به کار ساختمان مسجد شد تا مسلمانان نیز ترغیب شوند» (۲۰، ۲۱).

۲- اهتمام به وحدت و انسجام ملی، و مقابله با تفرقه افکنی ها: انسجام ملی از مسائلی است که وجود آن نقش محوری در ماندگاری یک حکومت دارد. از جمله اقداماتی که رسول خدا در همان اوایل ورود به شهر یثرب انجام داد، «پیمان برادری» بود که میان مهاجر و انصار بست. روشن است که عنوان «برادری» در بردارنده بالاترین و استوارترین نوع همبستگی و اوج همدلی است.

۳- قاطعیت در امر حکومت، و در ریشه کن کردن توطئه دشمنان داخلی: شیوه حکومت پیامبر اسلام در مدینه دارای ابعاد مختلفی است که در ابتدای امر، گاه متضاد به نظر می رسد. در اخلاق سیاسی پیامبر اکرم هم قاطعیتی چشمگیر در تحقق وظایف حکومتی و دینی دیده می شود، و هم عطف و مهربانی نسبت به ملت، حتی مخالفان، به روشنی به چشم می خورد. این عاطفه، محبت و دلسوزی آن حضرت نسبت به رعایای تحت حاکمیت ایشان، آن چنان بود که رعایای ایشان رسول اکرم را از دل و جان دوست داشتند؛ آن

۹- عفو و عدم انتقام از دشمنان پس از غلبه بر ایشان: انتقام گرفتن از دشمن پس از غلبه یافتن بر او امری است که در تمامی جنگ‌ها اتفاق می‌افتد. در همه جا لشکر شکست خورده و فرماندهان آن از کمترین حقوق انسانی برخوردارند، و این واقعیت دردناک و ضد بشری تا جایی رواج یافته و موجب نگرانی و دغدغه فکری ملت‌ها بوده است که جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی مجبور شده‌اند برای سامان بخشیدن به وضعیت شکست خوردگان در جنگ‌ها ضوابطی را تعیین نمایند، و دادگاه‌های بین‌المللی از حقوق انسانی مغلوب شدگان حمایت کنند.

خصوصیات و معیارهای ارزشی و رفتاری کارگزاران

۱- سخاوت: گشاده دستی از عوامل محبوبیت انسان در جامعه است و قهراً موجب پیشرفت و موفقیت مدیر در کار می‌باشد. بنابراین امام علی(ع) سخاوت و گشاده دستی را از معیارهای انتخاب مدیران دانسته است که البته این صفت فقط در مسایل مالی خلاصه نشده و سخاوت در کار اخلاق، همکاری و اندیشه و... را هم در بر می‌گیرد. ان حضرت فرموده اند: (ثُمَّ الصِّقِّ بِذَوِي... السُّخَا) (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

۲- وفاداری: وفاداری یکی از فضایل اخلاقی است که عموم افراد باید این ویژگی را در خود تقویت نمایند. به ویژه لازمست مدیران و کارکنان در مقابل سازمان متعهد شوند و تمام تلاش خود را برای دستیابی به اهداف سازمان به کار گیرند. امام علی(ع) در نامه ۵۳ به مالک اشتر فرموده است: (سپس با فرستادن ماموران مخفی راستگو و وفادار، کارهای آنان را زیر نظر بگیر).

۳- تواضع و فروتنی: مدیر و مسیولی که خود را خدمتگزار مردم می‌داند، در رفتار خود با مردم متواضع و فروتن بود و به هیچ وجه در رفتار با آنان برتری و سلطه‌گری وجود نخواهد داشت. امیرالمومنین(ع) در نامه ای که به یکی از والیان خود نوشته، چنین فرموده است: (در برابر رعیت فروتن باش) (۲۴).

۴- تسلط بر خشم: کسانی که دارای مقام و منصب هستند هر لحظه ممکنست که نیروی خشمشان طغیان کند و آنان را از حالت طبیعی و اعتدال خارج نماید و با کارکنان با حالت خشم و غضب برخورد کنند و پیش آمدهای ناگواری رخ دهد که هم برای فرد و هم برای سازمان و جامعه مضر باشد. لذا لازمست که صاحبان مقام و منصب و مدیران دارای قدرت تسلط بر خشم و کظم غیظ باشند. امیرالمومنین(ع) در نامه به مالک اشتر فرموده اند: (ان کس را فرمانده لشکریان نما که از همه در علم و بردباری بالاتر باشد و از کسانی باشد که خشم او را فرا نگیرد و به زودی از جای خود بدر نرود).

۵- عدالت و انصاف: امیرالمومنین(ع) در جای جای نهج البلاغه مردم و کارگزاران خویش را به اجرای عدالت توصیه می‌کند. در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر فرموده اند: (دوست داشتنی ترین چیزها در نزد تو، در حق میانه ترین، و در عدل فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم گسترده ترین باشد، که همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی همگان بی اثر می‌کند). حضرت در جای دیگری از فرمان تاریخی خود به مالک اشتر می‌فرماید: (انصاف برقرار کن میان خدا

چنان که هر برگ تاریخ پیامبراکرم گویای عشق و علاقه زاید الوصف اصحاب پاک ایشان نسبت به آن حاکم فرزانه بی بدیل است، و قرآن کریم آن را ریشه توفیقات پیامبر می‌شمارد. دستور آغاز جنگ و محاصره قلعه یهودیان بنی‌النضیر

۴- استواری بر تصمیمات اخذ شده، و عدم تردید در آنها: از نکات لازم برای یک مدیر، آن است که بر تصمیماتی که در امور تحت مسئولیت خود اتخاذ نموده، استوار باشد. پس از شکستی که مسلمانان در جنگ احد متحمل شدند و آسیب سختی که بر دولت نوپای اسلامی وارد شد، نوعی سرخوردگی و خمودی در اهل مدینه به وجود آمده بود، و در دل، پیامبر را سرزنش می‌نمودند که چرا در امر جنگ با اصحاب مشورت کرده و تسلیم رأی آنان شده است؟ بویژه چرا بر سر تصمیم نخستین پافشاری نموده است؟ (۲۲)

۵- آزادی رعایا در انتقاد، و توجیه ایشان بدون ارعاب: آزاد نهادن افراد جامعه برای خرده گیری از عملکرد زمامداران از جمله مسائلی است که هیچ یک از حاکمان دنیا آن را نمی‌پسندند سیره سیاسی پیامبراکرم (ص)، به درستی، نقطه مقابل این سیره عملی اجماعی قدرتمندان جهان است، ایشان، هیچ گاه، رعایا را از ابراز ایرادهای و انتقادهای خود نسبت به تصمیم‌های و عملکردهای خود منع نکرد، و نسبت به هیچ یک از کسانی که بر اعمال ایشان خرده می‌گرفتند، هرچند هم که بی ادبانه و تند بود، سختگیری نکرده و برخورد تندی ننمود. در جریان صلح حدیبیه و تعهداتی که پیامبر، و در پی آن، تمامی مسلمانان پذیرفتند، برخی از مسلمانان نسبت به پذیرش آن تعهدات معترض بوده و آن را برتافتند. سیره نویسان نمونه‌هایی از اعتراضات تند، و گاه بی ادبانه پاره‌ای از اصحاب را گزارش نموده اند (۲۳):

۶- برخورد قاطعانه با تخلفات عمال حکومت، و تسامح با مردم خطاکار نادم: آن حضرت در موارد اشتباهات رعایا اغماض بیشتری به خرج می‌دادند، ولی خود را در مورد خطاهای عمال حکومت مسئول دانسته، آنان را مورد مؤاخذه شدیدتر قرار می‌دادند. نمونه ای از خطاهای عمال حکومت که با برخورد شدیدی از جانب رسول اکرم مواجه شد ماجرای گروه هشت نفره ای است که به سرکردگی عبدالله بن جحش، به طور محرمانه برای جمع آوری اطلاعاتی از تحرکات مشرکان مکه فرستاده شده بودند.

۷- پایبندی به تعهدات و پیمان‌ها، در عین قدرت بر نقض عهد: از نکات برجسته ای که در تاریخ صدر اسلام به چشم می‌خورد، پایبندی پیامبراکرم، مؤسس و زمامدار حکومت اسلامی، نسبت به تعهدات و پیمان‌هایی است که با گروه‌ها و قبایل مختلف بسته شده بود.

۸- اقدام به عملیات اطلاعاتی در میان دشمنان: در تمامی حکومت‌ها کسب اطلاعات به صورت مخفیانه در چند زمینه انجام می‌پذیرد، که یکی از آنها «کسب اطلاعات از برنامه‌ها و تصمیمات دولت‌های بیگانه در زمینه منافع دولت متبوع» است. معمولاً نسبت به تمامی دولت‌های خارجی این چنین اقدامات اطلاعاتی صورت می‌گیرد و هر حکومتی سعی می‌کند اطلاعات محرمانه بیشتری را به دست بیاورد؛ اگرچه دولت مقصد از دسته دولت‌های دوست و حتی هم پیمان به حساب آید.

که جز با شدت عمل کارها پیش نمی رود. شدت عمل به خرج ده و پر و بال خود را برای مردم بگستر و با چهره گشاده با آنان رو به رو شو و نرم خوبی با آنان را نصب العین خود قرار ده).

نتیجه گیری

می توان نتیجه گرفت که حاکمان و کارگزاران در منصب و جایگاهی که قرار دارند از آسیب ها و آفت ها در امان نبوده و همواره در معرض انواع آسیب ها قرار دارند. مجموع آسیب ها و آفت هایی که حاکمان و کارگزاران را تهدید می کند، به دو دسته اخلاقی حاکمیتی و اخلاقی شخصیتی تقسیم می شوند. آسیب های اخلاقی حاکمیتی نیز به دو دسته تقسیم می شوند: آسیب های ناشی از ذات قدرت و آسیب های ناشی از نحوه اعمال قدرت. طبیعتاً پیشگیری و درمان این آفت ها و آسیب ها، مبتنی بر شناسایی دقیق آسیب ها و ریشه های آنهاست. بر اساس اندیشه سیاسی امام علی علیه السلام، عوامل متعددی در فرایند تربیت سیاسی نقش دارد و باید با در نظر گرفتن آن ها، به تربیت زمامداران جامعه پرداخت. نقش دین، خانواده و ارزش های مورد قبول جامعه، که ریشه در اعماق فرهنگ و سنت اجتماع دارد، در شکل گیری نگرش های سیاسی و تاثیر آن بر گرایش های زمامداران روشن است. همچنین روش های اجرای تربیت سیاسی نیز به نوبه خود، دارای اهمیت است، این موضوع از فرمان های گوناگون حضرت علی علیه السلام به زمامداران نظام اسلامی به روشنی قابل استفاده می باشد. ویژگی های منفی کارگزاران که جنبه فردی دارد بیش تر به عواملی همچون غرور، هواپرستی، پیمان شکنی، و انحصارطلبی کارگزاران مربوط می شود. اگر زمامدار دارای چنین ویژگی هایی باشد، بعید است که در راه اهداف عالی نظام اسلامی قدم بردارد. بنابراین، بر اساس اندیشه سیاسی علی علیه السلام راه های چاره ای وجود دارد که می توان از بروز این ویژگی ها جلوگیری کرد و یا پس از بروز، آن ها را درمان نمود. از جمله راه های پیش گیری از پیدایش یا از بین بردن این صفات، آراستگی به تقوا، بی اعتنائی به دنیا، توجه به نتایج اعمال و مشورت با علماست. گذشته از این روش های تربیت سیاسی نیز در تربیت کارگزاران بسیار مؤثر است که در ضرورت به کارگیری درست آن، از ویژگی های منفی به دور خواهند بود. قبل از آنکه حکومتی توسط مردم آن جامعه بخواهد اصلاح شود، باید کارگزاران آن به فکر اصلاح خود و جامعه باشند. هم چنین کارگزاران به عنوان الگوهای جامعه باید وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهند و به فکر عواقب اعمال و رفتار خود باشند. اگر علی (ع) در برابر بی عدالتی ها و ستمکاری های بعضی از کارگزاران خود، عکس العمل شدید نشان می دهد، همگی به خاطر آن است که می داند بی توجهی به مسائل فوق، برافروختن آتشی است که در درجه اول، دامن خود کارگزاران و در نهایت حکومت را خواهد گرفت. عملکرد و رفتار کارگزاران تأثیر مستقیم و بلا واسطی بر ثبات نظام های سیاسی دارد. چنانکه سپردن امور مملکت به اشخاص فاقد تجربه که لازمه تصمیم گیری در امور مهم اقتصادی-سیاسی می باشد سقوط در ورطه هلاکت و نابودی را برای جامعه به دنبال خواهد داشت و این نکته را حاکمان باید مد نظر داشته باشند، آنچه حکومت آنان را دوام و قوام میبخشد، داشتن تدبیر،

و مردم، و خویشتن و دودمان خاص خود و هر کس از رعیت که رغبتی به او داری و اگر چنین انصافی را برقرار نکنی، مرتکب ظلم گشته ای و کسی که به بندگان خدا ظلم بورزد خصم او خداست از طرف بندگانش و هر کسی که خدا با او خصومتی داشته باشد دلش را باطل سازد و او با خدا در حال محاربه است). حضرت در نامه ای به فرمانروای حلوان، اسود بن قطب می نویسد: (پس باید کار مردم در حقی که دارند در نزد تو یکسان باشد که از ستم نتوان به عدالت رسید)

۶- گشاده رویی: گشاده رویی از عوامل جلب محبت مردم و مایه ایجاد صلح و دوستی بین افراد می باشد و مدیران باید در برخوردها گشاده روی باشند تا جو دوستی و همدلی در سازمان برقرار شود. امام (ع) در نامه ۴۶ به یکی از کارگزاران سیاسی خود می فرماید: (پر و بالت را برابر رعیت بگستران، با مردم گشاده روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، در سلام کردن و اشاره نمودن با همگان یکسان باش تا زورمندان در ستم تو طمع نکنند و ناتوانان از عدالت تو مایوس نگردند).

۷- میانه روی در درشتی و نرمی: امام علی (ع) در تبیین اخلاق مدیریت و شیوه های برخورد مدیران با مردم، عالی ترین رهنمود را دارند تا مدیران بتوانند مردم را جذب کرده و رابطه صادقانه ای با مردم داشته باشند. حضرت در نامه ۱۹ به یکی از مدیران فرمود: (همانا دهقانان مرکز فرمانداریت، از خشونت و قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند، من درباره آنها اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتیم، زیرا که مشرکند، و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بد رفتاری هستند زیرا که ما با هم بیمانیم، پس در رفتار با آنان، نرمی و درشتی را به هم امیز، رفتاری توام با شدت و نرمش داشته باش، اعتدال و میانه روی را در نزدیک کردن یا دور نمودن رعایت کن).

۸- امانتداری: هر کس در هر جایگاه و مرتبه مدیریتی، امانتدار مردمان است و باید اموال و حیثیت و شرافت ایشان را پاسداری کند. امام علی (ع) به مالک اشتر در این باره سفارش می کند که درباره اشخاصی که می خواهد برگزیند بدین امر توجه نماید و با بررسی سوابق و عملکرد گذشته شان ببیند آیا اهل امانتداری بوده اند یا خیر. امیرالمومنین (ع) در نامه ای که به برخی کارگزاران خود نوشته، چنین فرموده اند: (کسی که امانت را خوار شمارد و دست به خیانت الاید و خویشتن و دینش را از آن منزه نسازد، درهای خواری و رسوایی را در دنیا به روی خود گشوده است و در آخرت خوارتر و رسواتر خواهد بود. و بزرگترین خیانت، خیانت به امت است و رسواترین تقلب، تقلب نسبت به پیشوایان مسلمان است).

۹- رفق و مدارا: هیچ عاملی مثل (رفق و مدارا) نمی تواند پیوندی عمیق و اصیل میان مدیران و زیردستان ایجاد کند و همراهی آنان را تضمین نماید. مدیران جز با نرمی و ملایمت نمی توانند فاصله های میان خود و کارکنان را بردارند، در اعماق دل آنها نفوذ کرده، آنان را با خود همراه نمایند. امیرالمومنین (ع) به کارگزاران خود توصیه می فرمود که در اداره امور جامعه و تعامل با مردم، اصل رفق و مدارا و مهربانی را ملاک قرار دهند و حتی الامکان از برخورد شدید و تند بپرهیزند. ایشان در نامه ۴۶ به یکی از کارگزاران خود می فرماید: (در انجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن، اما انجا

10. Askari, Morteza, 1410 A.H., *Maalam al-Madrasteen*, Beirut: Al-Nu'man Foundation for Printing and Publishing.
11. Sadouq, Muhammad bin Ali, 1417 A.H., *Amali*, Qom: Al-Baath Foundation.
12. Ibn Abd Al-Barr, Yusuf Ibn Abd Allah, 1415, *al-Istiyab fi Marafah al-Sahhab*, Beirut: Dar al-Katb al-Alamiyeh.
13. Amadi Tamimi, Abdulwahid bin Mohammad, 1360, *Commentary on Gharral al-Hakm and Darr al-Kalam*, Tehran: University of Tehran Press.
14. Rasouli, Seyyed Hashem, *Bitā, The Life of Muhammad (PBUH), the Prophet of Islam*, Tehran: Islamic Bookstore.
15. Majlesi, Mohammad Baqer, 1403 AH, *Bihar al-Anwar*, Beirut: Al-Wafa Foundation.
16. Dashti, Muhammad, 1379, translation of *Nahj al-Balagheh of Hazrat Amir al-Mu'minin (AS)*, Qom: Talia Noor.
17. Ibn Hisham, Beita, *Al-Sirah al-Nabiyyah*, Beirut: Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, four volumes.
18. Khawansari, Jamal al-Din Mohammad, 1360, *Sharh Gharr al-Hakm and Derr al-Kalam*, research by Mirjalal al-Din Hosseini Ermoi, Tehran: University of Tehran.
19. Khemti, Abu Talib and others, 2013, *Alavi Management*, Qom: Research Institute of Hoza and University.
20. Ayashi, Mohammad Bin Masoud, 1380 A.H., *Tafsir Al-Ayashi*, Tehran: Ilmia Printing House.
21. Quchani, Mahmoud, 1374, government decree about management, description of the agreement of Amir al-Mominin Ali bin Abi Talib (a.s.) to Malik Ashtar, Tehran: Government Management Training Center.
22. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, 1417 AH, *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
23. Ahmad Khani, Massoud, 1379, modeling the behavior of managers according to the letters of Hazrat Amir

دانش فراوان و استفاده از کارگزاران مجرب و دلسوز است. امید است تمامی مسئولان و دست اندرکاران جمهوری اسلامی ایران این سخنان، دستورها و فرمان های الهی را فرا راه خود قرار داده و با الهام از آنها در راه تحقق بخشیدن به اهداف و خواسته های به حق، خدایی آن حضرت در جامعه اسلامی ایران بکوشند تا کشور، پایگاهی برای نشر اسلام در تمامی جهان گشته و گامی باشد در جهت برانداختن ظلم و ستم از صحنه روزگار. لذا کلام و سیره معصومین (ع)، درس زندگی سعادت‌مند در این دنیا و رستگاری آخرت برای انسان است. معارف اهل بیت فقط به یک بعد انسان نمی پردازد و انسان را در تمام ابعاد وجودی رشد می دهد. براین اساس می توان چنین نتیجه گیری نمود که در رویکرد اسلامی، نظامی جامع و همه جانبه در مقام تعریف ویژگی های مدیران مد نظر است که ابعاد درونی ساختاری، رفتاری را بصورت همزمان پوشش می دهد.

References

The Holy Quran

Nahj al-Balagha

1. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram, 1410 AH, *Lasan al-Arab*, Beirut: Dar al-Fikr.
2. Dehkoda, Ali Akbar, 1380, *Dehkoda dictionary*, Tehran: University of Tehran, first edition.
3. Moin, Mohammad, 1371, *Farhang Farsi Moin*, Amir Kabir Publishing House, Tehran: 8th edition.
4. Kilini, Mohammad bin Yaqub, 1365, *Al-Kafi*, Tehran: Dar Al-Katb al-Islamiyya.
5. Mohammadi Ray Shahri, Mohammad, 1386, *Mizan al-Hikma*, translation: Hamidreza Sheikhi, Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute, Publishing Organization.
6. Khomeini, Ruhollah, 1389, *Imam Khomeini's Sahifa*, Tehran: Imam Khomeini's Works Editing and Publishing Institute.
7. Makarem Shirazi, Nasser and others, 1371, *Tafsir al-Nashon*, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyyah.
8. Ibn Shuba Harrani, Abu Muhammad bin Ali, 1363, *Tohf al-Aqool on Aal al-Rasul (PBUH)*, Qom: Al-Nashar al-Islami.
9. Ibn Abi al-Hadid, Abdul Hamid, 1387 A.H., *Commentary on Nahj al-Balagheh*, Bija, Dar Ihya al-Trath al-Arabi.

(a.s.) in Nahj al-Balaghe, master's thesis, Islamic Studies and Management, Tehran: Imam Sadiq (a.s.) University.

24. Delshad Tehrani, Mustafa, 1377, Dolat Aftab, Ali's political thought and government policy, Tehran: Young Thought House.